

جایگاه مضامین عرفانی در کتاب تأملات کلامیه ملا محمد حسن هردنگی

اکرم ناصری^۱

سال چهاردهم، شماره اول، پاییز ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۶

شماره صفحه: ۱۲۵-۱۴۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۹

چکیده

علم کلام یکی از علوم مهم اسلامی است که برای درک و فهم عقاید دین اسلام پدید آمده است. متکلمین در مناظرات و مباحث کلامی به منظور دفاع از عقاید خود و غلبه بر حریف، به دانش‌ها، مهارت‌ها و روش‌های خاصی نیاز دارند. میان عرفان و علم کلام نیز پیوندی تنگاتنگ وجود دارد و برخی از متکلمان از قابلیت‌های مضامین عرفانی برای دستیابی به اهداف دانش خویش بهره برده‌اند. نحوه کاربست مضامین عرفانی در کلام، از جمله مباحث درخور توجهی است که کمتر بدان پرداخته شده است؛ از این‌رو، انجام مطالعات موردی در این حوزه و بررسی کار متکلمینی که از این رویکرد بهره گرفته‌اند، می‌تواند در شناخت این رویکرد مفید فایده باشد. مقاله حاضر با تأکید بر یکی از آثار کلامی علمای شیعه (محمد حسن هردنگی) در نظر دارد که ضمن تحلیل و بررسی رویکردهای عرفانی و جایگاه آن در مباحث کلامی، شاخصه‌های این رویکرد و نقش آن را در تلطیف و تأثیرگذاری مباحث کلامی مورد ارزیابی قرار دهد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هردنگی در کتاب خود (تأملات کلامیه) از این رویکرد به کرات در مباحثی چون طرق معرفت، ذات و واجب‌الوجود بهره برده و در کاربرد این مفاهیم، رویکرد کلامی-عرفانی و رویکرد تاریخی را با هم تلفیق کرده است. استنادات حدیثی، بویژه احادیثی که متضمن معانی عرفانی است نیز از

ویژگی‌های سبکی مؤلف محسوب می‌شود که در تلطیف و تفهیم مباحث کلامی بسیار مؤثر بوده است.

واژگان کلیدی: محمدحسن هردنگی، کلام، رویکرد عرفانی، تأملات کلامیه

مقدمه

کلام دانشی است که ماهیت، اهداف و غایات آن زمینه‌ساز کاربرد روش‌های گوناگون و متنوع در آن شده است. افزون بر روش‌های عقلی و نقلی رویکردهای دیگری نیز در بررسی‌های کلامی به کار رفته است. یکی از رویکردهایی که متکلمان در مباحث کلامی خویش چندان اقبالی به آن نداشته‌اند، عرفان است. در واقع، عرفان خود نوعی کلام شهودی است که موضوعات و مسائل آن با دانش کلام مشترک، اما ابزار و روش آن با علم کلام متفاوت است (دادبه، ۱۳۸۸: ۶۴۲۶). کاربست رویکردهای عرفانی در کلام ویژگی‌ای است که می‌تواند بر اشتیاق و رغبت خوانندگان در مطالعه مباحث کلامی بیفزاید.

نوشتار حاضر ضمن بررسی یکی از آثار کلامی دوره قاجاریه با عنوان *تأملات کلامیه* می‌کوشد تا نحوه کاربرد مضامین عرفانی را در مباحث کلامی نشان داده، تأثیرات آن را در این بحث‌ها مورد ارزیابی قرار دهد. تأملات کلامیه اثر آخوند ملامحمدحسن هردنگی (متوفی ۱۳۲۷ق.)، از علما و فقهای معظم و نامی قهستان است که در فلسفه، صرف و نحو عربی، فقه و اصول، لغت، معانی بیان، بدیع، عروض، منطق، تفسیر، کلام، حدیث، رجال و درایه، نجوم، هیأت، حساب و هندسه نیز تبحر داشته است.

آخوند ملامحمدحسن هردنگی در سال ۱۲۶۰ هـ ق در قریه مبادی از توابع هردنگ قیس‌آباد زاده شد. وی پس از گذراندن دوره مقدمات و سطح برای تکمیل دانش خود به مشهد و مدرسه باقریه رفت و قریب ۲۰ سال از محضر آیات عظام کسب فیض کرده، بر امورات فقهی، دینی و شرعی تسلط کامل یافت. او درباره اساتید خود در مقدمه دیوان اشعارش چنین می‌نویسد: «این قلیل البضاعه بعد از آنکه از خدمت والد ماجد جهت تحصیل مهاجرت کرده چندان دور نرفتم و بر بعضی از اهل علم تلمذ کرده که دارای مقام اجتهاد نبودند و بعد از آنکه از ایشان مستغنی شدم بر دو نفر که از عمده

علمایند، تلمذ کرده و حظی وافر و بهره‌ای کامل از ایشان برداشتم» (راشدمحصل، ۱۳۴۲: ۱۱۰، ۱۲۵). از برخی قراین می‌توان دریافت که آخرین استاد وی، فقیه پرآوازه قهستان، سید ابوطالب مجتهد قاینی بوده که هردنگی در آثارش از او یاد کرده است. مجتهد قاینی در سال ۱۲۹۰ قمری یعنی زمانی که هردنگی سی سال داشت، برای او اجازه اجتهاد صادر کرد (علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۲: ۲۹۰). از جمله مناصب هردنگی می‌توان به عضویت در هیأت امنای یکی از بلوک قهستان به مدت ۴۰ سال، مسئولیت موقوفات و حاکم شرع به مدت ۱۴ سال و نیابت آیت‌الله سید اسماعیل صدر موسوی در امور حسبیه ایالت قهستان اشاره کرد (غوث، ۱۳۹۱: ۴۰۰). تألیفات هردنگی پس از مرگ وی دستخوش حوادث گشته و تنها بخش‌هایی از آن به وسیله نوادگانش جمع‌آوری شده است، اما تاکنون به طبع نرسیده است. صرفاً شماری از اشعار وی در برخی از جراید چاپ شده است. از دیگر آثار ایشان می‌توان به *رساله اعتقادات*، *رساله توحید و سفرنامه هرات* نیز اشاره کرد (غوث، ۱۳۹۰: ۷).

بررسی کتاب *تأملات کلامیه* نشان می‌دهد که هردنگی بر منابع تاریخی، کلامی و فلسفی عامه و خاصه تسلط داشته و به آنها استناد کرده است. کاربرد مضامین عرفانی در خلال بحث‌های کلامی از جمله وجوه تمایز این اثر با سایر آثار کلامی است که بررسی آن در سؤالات اصلی پژوهش به شرح ذیل بازتاب پیدا کرده است:

۱- کتاب *تأملات کلامیه* از بُعد سبکی و روش، حائز چه ویژگی‌هایی است؟

۲- میزان و نحوه کاربرد مضامین عرفانی در *تأملات کلامیه*، چگونه است؟

در خصوص پیشینه‌ی تحقیق گفتنی است که تاکنون مقاله‌ی مستقلی در این زمینه نگارش نیافته است. در آثار مربوط به کلام نیز نویسندگان صرفاً به شرح مباحث کلامی و تاریخچه‌ی علم کلام پرداخته، سخنی در باب پیوندهای کلام و عرفان نگفته‌اند؛ از این رو پژوهش حاضر از تازگی برخوردار است.

بحثی پیرامون کلام و تنوع روش‌های کلامی

دانشمندان مسلمان در بیان چیهستی علم کلام بر اساس گرایش‌های فکری و نگرش‌های حرفه‌ای تخصصی‌شان تعاریف مختلفی ارائه کرده‌اند؛ چنان‌که فارابی در *احصاء العلوم*، کلام را صنعتی دانسته

که به وسیله‌ی آن انسان به اثبات آراء و افعالی که شارع شریعت به آنها تصریح کرده است، می‌پردازد (فارابی، ۱۳۴۸: ۱۲۴). از منظر شیخ مفید (۱۴۰۲ق: ۸)، کلام دانشی است که از طریق استدلال، برهان و جدل به طرد باطل می‌پردازد. غزالی (۱۳۲۲ق: ۵-۶) و تفتازانی (بی‌تا: ۷۶) کلام را دانشی دانسته‌اند که از "موجود بما هو موجود" بر طبق قانون اسلام بحث می‌کند. در میان تعاریف متعدد در باب کلام، قطب‌الدین شیرازی (۱۳۱۷: ۸۵) در *دره‌التاج* به دسته‌بندی مباحث مطرح در علم کلام پرداخته است که عبارتند از:

یک) معرفت ذات آفریدگار؛

دو) معرفت صفات جلال و اکرام او؛

سه) معرفت افعال و احوال او و دقایق مصنوعات و دقایق مبدعات؛

چهار) معرفت نبوت و رسالت و حکمت او.

از بررسی مجموعه‌ی تعاریف ارائه شده در مورد علم کلام می‌توان دریافت که برخی از دانشمندان اسلامی کلام را بر اساس موضوع، عده‌ای آن را بر حسب هدف یا کارکرد (قراملکی، ۱۳۷۸: ۳۴) و عده‌ای بر مبنای شیوه مورد بررسی قرار داده و دسته‌ای بر هر سه تأکید کرده‌اند (محمدرضایی، ۱۳۹۰: ۲۴). در این میان برخی از تعاریف با اتکاء به یک وظیفه، از میان وظایف متعدد متکلمان، علم کلام را تعریف نمودند و عده‌ای دیگر وظایف متعددی را برای متکلم برشمرده‌اند (قراملکی، ۱۳۷۸: ۳۹). جبرئیلی (۱۳۸۵: ۱۲۹) در اشاره به غایت علم کلام که همانا دین‌شناسی حقیقی و معرفت تفصیلی به معارف دین است، فواید عملی و تربیتی کلام را رسوخ بیشتر اعتقاد به خدا و اخلاص در اعمال دانسته است. بر اساس تعاریف ارائه شده، «مهم‌ترین اهداف این علم دفاع از اصول عقاید دینی» (متز، ۱۳۶۲: ۷۹)، اثبات موضوع و مبادی دیگر علوم دینی است (لاهیجی، ۱۴۲۵ق: ۷۴). در تبیین ضرورت علم کلام و اهداف مندرج در این علم، طوسی (۱۴۰۵ق: ۲) عقیده دارد که تا وجود خداوند و صفات کلام او و ضرورت تکلیف بعثت و عصمت پیامبران اثبات نشود، موضوع علمی نظیر تفسیر، حدیث، فقه، اصول و ... اثبات نخواهد شد، زیرا آغاز در آنها بدون آگاهی بر مسائل مربوط به دین مانند سقف بدون پایه است.

یکی از مباحث اصلی و شایان توجه در علم کلام، روش‌شناسی و رویکردهایی است که متکلمین

از آن بهره برده‌اند. روش علم کلام روشی عقلی- نقلی است (شهرستانی، ۱۳۶۱: ۴۰). نقلی از آن جهت که موضوع علم کلام، عقاید اسلامی بوده، منبع این عقاید، متون دینی است و عقلی از آن جهت که در مورد پاره‌ای از اعتقادات، مانند اعتقاد به خدا، پیش از اجتهاد در متون دینی، باید وجود خداوند را از طریق روش عقلی اثبات کرد (برنجکار، ۱۳۷۵: ۱۱۲). لذا اشراف کامل بر سایر علوم دینی بویژه تسلط بر مباحث اعتقادی، آشنایی کامل با ملل و نحل، علم حدیث، تفسیر، فقه و فلسفه لازم است. علم کلام با دیگر علوم دینی و بشری رابطه‌ای دو طرفه دارد (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۱: ۷۸)، آن گونه که از برخی علوم بهره می‌گیرد و به برخی دیگر بهره می‌رساند. معرفت‌شناسی، عرفان، تاریخ و علوم تجربی، از علوم تأثیرگذارند. همان گونه که فقه، اصول و تفسیر از جمله علوم تأثیرپذیرند. هر چند گاهی کلام از این علوم تأثیرپذیر استفاده می‌کند، در واقع علوم فوق «مبادی» علم کلام به‌شمار می‌روند. در واقع علم کلام در مقایسه با دیگر علوم دینی تأثیرگذار و نقش‌آفرین است، چرا که تحقق موضوع آنها در گرو این علم قرار دارد. اگر در علم کلام به اثبات ذات خداوند پرداخته و وجود مقدس او ثابت شود، به طور قطع فقه، تفسیر و حدیث، موضوعی نخواهند داشت، چرا که دیگر مکلفی نیست تا از فعل مکلف سخن به میان آید. مُرسل رسولی نیست تا کلام و سخن او حجت باشد و جمع و تدوین و تقسیم آن ضرورت یابد (لاهیجی، ۱۳۶۲: ۷۴).

در کنار علوم دینی مطالعه کتب مقدس و متون دینی سایر ادیان نیز از ضرورت‌های ورود به بحث‌های کلامی محسوب می‌شود، چرا که قانع کردن طرف مقابل و غلبه بر منابع خصم باید به مدد حجت و استدلال باشد (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۹۴). بررسی روش‌های به‌کار گرفته شده توسط متکلمان نشان می‌دهد که علم کلام، علمی است که می‌توان از روش‌های گوناگون در آن بهره برد. تنوع در روش‌های کلامی برخاسته از تنوع در اهداف و غایات این علم است. از این‌رو، متکلم جدای از شواهد عقلی و نقلی، گاه از تجربه هم بهره می‌برد و گاه نیز از تاریخ و روایت‌های تاریخی استفاده می‌کند (مطهری، بی‌تا: ۸۵؛ مطهری، ۱۳۹۰: ۳۸).

یکی از رویکردهای مطرح در مطالعات کلامی، رویکرد عرفانی است. کلام و عرفان هر چند که در روش اختلاف دارند و هر یک از منظر خاص خود به طرح مباحث دینی پرداخته‌اند، با این حال، مواردی از همنشینی و وفاق گزاره‌های کلامی در مضامین عرفانی دیده می‌شود. یکی از آثار کلامی

که در آن نویسنده با اتخاذ رویکرد عرفانی به تبیین مسائل کلامی پرداخته، کتاب *تأملات کلامیه* اثر محمدحسن هردنگی از علمای سده چهاردهم هجری قمری است. تحلیل و بررسی رویکرد عرفانی نویسنده *تأملات کلامیه* محور اصلی این نوشتار را تشکیل داده است.

جامعیت شخصیت علمی هردنگی و تسلط وی بر علوم معقول و منقول و آگاهی کامل او از عرفان و معارف شهودی، زمینه‌ساز فعالیت آموزشی و پژوهشی او در همه این زمینه‌ها شده است. از هردنگی مثنوی‌ها و غزلیات عارفانه‌ای نیز به‌جای مانده که نشانگر طبع شعری او و علاقه‌مندی‌اش به عرفان بوده است. وصیت‌نامه منظوم وی نیز حاوی نکات عرفانی در خور توجهی است که در ذیل به ابیاتی از آن اشاره می‌شود:

زخم‌خانه و حدتم می‌بریـز	که مستم کند تا دم رستخیز
بده جرعه‌ای زان می‌باصفا	که از دل برد زنگ شرک و خطا ...
پس آنگه ز اشراق و روشندلی	زبان برگشایم به ذکر جلی
ز توحید گویم نکات درست	که ایمان منکر شود باز سست
شود راز توحید چندان عیان	که گردد از آن فتح باب جان
بر رازداران شود کشف راز	به آخر رسد قصه‌های دراز

(هردنگی، ۱۳۹۶: ۲۸).

معرفی کتاب *تأملات کلامیه* و ویژگی‌های سبکی آن

مهم‌ترین اثر برجای مانده از آخوند ملامحمدحسن هردنگی کتاب *تأملات کلامیه* است که خود مبین وجوه شخصیت نویسنده و تسلط او بر معقول و منقول و احاطه‌ی او به عرفان اسلامی است. در مقدمه کتاب *تأملات کلامیه* توضیحات مختصری پیرامون چگونگی تألیف آن آمده است. بر اساس این توضیحات، بهانه تصنیف کتاب، ترجمه کتاب *اعتقادات* سیدابوطالب مجتهد قاینی، از علمای خطه قهستان بوده است. *رساله اعتقادات* سیدابوطالب قاینی، رساله مختصری است که در مشهد به زبان عربی تألیف و در بیست و سه صفحه تدوین شده است. اگر چه مؤلف *تأملات کلامیه*

در مقدمه کتابش تصریح نموده که نیتش ترجمه اثر استاد بوده، اما هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی صرفاً به ترجمه اکتفا نکرده و کتابی کاملاً متفاوت و مفصل خلق کرده است. کتاب هردنگی از نظر کمیت تقریباً بیست برابر کتاب سیدابوطالب مجتهد قاینی است و مباحث، به جهت تحلیل و ژرفنگری نیز در فضای متفاوتی مطرح شده‌اند؛ بنابراین باید تأملات کلامیه را کتابی مستقل به-شمار آورد. این کتاب در مقایسه با منابع مشابه از ویژگی‌هایی برخوردار است که سبب تمایز آن می‌گردد. مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

- تسلط هردنگی بر منابع روایی، تاریخی، کلامی و فلسفی عامه و خاصه و استناد بدان‌ها؛ البته نویسنده نسبت به آرای عالمان متقدم اعم از شیعه و سنی منفعل نبوده و در صورت لزوم، عقاید آنها را در کمال دقت و احترام نقد کرده و نظرات متفاوتی ارائه کرده است.

- این اثر از جهاتی با آثار کلامی بزرگانی چون شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی و بعضی از دیگر متکلمان شیعه تفاوت‌های درخور توجهی دارد. برخی از این تفاوت‌ها به شرح زیر است:

(الف) رویکرد عرفانی نویسنده به مباحث کلامی بویژه توحید و مباحث متفرع بر آن؛ این رویکرد تقریباً در کمتر اثری از آثار متقدم دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که شخصیت خاص هردنگی و تسلط او بر عرفان و احاطه اش به ادعیه شریفه وارده از معصومان صلوات الله علیهم موجب ایجاد چنین تفاوتی شده است.

(ب) استشهاد به آیات و روایات محکم را متمم و مکمل استدلال‌های عقلانی کرده، شاید این ویژگی مرهون ماهیت احتجاجی آن باشد.

(ج) هر چند کتاب پایه‌های استدلالی محکمی دارد که به کمک آیات و روایات تقویت شده، اما از جزمیت برخی منابع کلامی متأخر دور است؛ زیرا با لطایف ادبی و عرفانی قرین شده است.

(د) رویکرد احتجاجی و جدلی کتاب؛ نویسنده تلاش کرده در عین ورود به عرصه چالشی، موازین جدال احسن را رعایت نماید (همان: ۳۲، ۳۶).

دقت نظر هردنگی در برخی مباحث حساس نظیر کلمه، کلام و جبر در مقایسه با برخی از متکلمان پیشین که به توضیحات مختصری اکتفا کرده‌اند، قابل توجه است (همان: ۳۶). چنانچه وی در خصوص یکی از این مباحث نظیر "کلمه" می‌نویسد که موضوع "کلمه" یکی از اصیل‌ترین

مباحث معرفت‌شناسی است که در کلام، فلسفه و عرفان جایگاه مهمی دارد. وجه مشترک اساطیر و ادیان در نقش آفرینندگی "کلمه" و وساطت آن در هستی است. در اسلام برای اولین بار این موضوع در آیات الهی در قرآن مجید مطرح شده و "کلمه" و مشتقات آن بیش از هشتاد بار به معانی مختلف به کار رفته است. آشکارترین نماد قرآنی "کلمه"، انسان‌های کامل و انبیاء الهی هستند. با استناد به آیات می‌توان پیامبر اکرم را بارزترین مصداق "کلمه" دانست. یکی دیگر از معانی "کلمه" در قرآن (یس: ۸۲)، نقش واسطه‌ای آن در خلقت است که: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». این معنای اخیر را می‌توان بر "کلمه" در مفهوم انسان کامل تطبیق داد و بر این پایه به نقش انسان کامل در هستی پی برد (ولوی، ۱۳۶۸: ۲۳).

کاربرد مضامین عرفانی در مباحث کلامی

عبارات تحمیدیه هردنگی در آغاز کتاب تأملات کلامیه دربردارنده مضامین عرفانی است و در این عبارات ضمن اشاره به درماندگی عقل فلسفی از درک ذات باری تعالی، به اعتراف انبیاء و علما در عجزشان از معرفت ذات الهی تصریح کرده، این عجز را کمال معرفت دانسته‌اند. این عبارات نشان می‌دهد که نگرش عرفانی مؤلف از آغاز رساله کاملاً مشهود است: «جواهر حمد و ثنائی که پرورده اصداف اخلاص عمل سکان ملاء اعلی و بندگان خاص الخاص و کاملان تام الاخلاص است، نثار مقدم آیت الکبریٰ حضرت کردگار یست، جل شأنه، که انبیاء و علما در معرفت او به عجز خود معترف، بلکه عجز را کمال معرفت دانند و کلمه طیبه ما عرفناک حَقَّ مَعْرِفَتِكَ به زبان رانند. حکیم هر قدر به بطلان دور، اثبات وجود او کند چون به خود پردازد، دور لازم آید و فلسفی هر چند سلسله بطلان تسلسل جنباند چون به مقام ذات رسد، منقطع شود إِذَا بَلَغَ الْكَلَامُ إِلَى اللَّهِ فَأَمْسِكُوا» (هردنگی، ۱۳۹۶: ۵۱).

از دیگر فرازهایی که نویسنده تأملات کلامیه در تبیین آن از مفاهیم عرفانی بهره گرفته، می‌حشی است که پیرامون معنی ایمان آورده است. وی ایمان را محبت و ولایت کامل برای ائمه معصوم (ع) دانسته و در این زمینه با ذکر حدیثی از نبی اکرم (ص) بر قول خود صحه گذارده است: «پس می‌گوییم که ایمان ولایت و محبت کامل است از برای ائمه اثنا عشر سلام الله علیهم که

مندرج است در او توحید و نبوت و توابع ... که حضرت اقدس نبوی فرمودند: يَا عَلِيُّ حُبُّكَ إِيْمَانٌ وَ بُغْضُكَ نِفَاقٌ وَ كُفْرٌ» (همان: ۶۳). سپس در ادامه نویسنده از مراتب ایمان سخن گفته و با استناد به قول یکی از ائمه معصوم، امام محمدباقر (ع) اشاره نموده که «ایمان ده درجه است و سلمان در درجه دهم و ابی ذر در نهم» (همان: ۶۴).

از نظر هردنگی بر اساس تعدد اشخاص، مراتب ایمان نیز متعدد است و این تعدد به سبب تفاوت قوه استدلال و قابلیت‌های هر فرد نسبت به دیگری است، چرا که ایمان صحابه نیز بر اساس سنجیدن رتبه‌شان نسبت به یکدیگر متفاوت است. نویسنده ضمن اشاره به سه مرتبه از مراتب ایمان و بهره گرفتن از مضامین عرفانی نظیر "فَنَاءٌ فِي اللَّهِ" و "مقام محو و صحو" به پیوند معنایی محبت و ولایت ائمه با معنای ایمان پرداخته و می‌نویسد: «لکن ما بیان سه مرتبه از مراتب ایمان می‌کنیم که باقی مراتبی که برای ایمان است ... منکشف شود ... بنابراین هر چیز را صورتی است و معنایی و برزخی. مثلاً انسان را صورتی است که محسوس است و مشاهده در هر کس حتی در انسان همین صورت است، بلکه جنیان نیز بدین صورت می‌شوند:

ای بسا ابلیس آدم رو که هست پس به هر دستی نباید داد دست

(مولوی، ۱۳۸۲: ۶)

گر به صورت آدمی انسان بدی احمد و بوجهل هم یکسان بدی

(هردنگی، ۱۳۹۶: ۶۳).

از نظر هردنگی این معنایی دارد که نه تنها عبارت است از ظهور آثار نفس ناطقه قدسیه، بلکه کلیه الهیه و تخلق به اخلاق الله کما ینبغی. همچنین رسیدن به مقام «نَحْنُ هُوَ وَ هُوَ نَحْنُ» و مقام تابش انوار جلال و جمال که تعبیر از او به مقام محو و صحو شده و این مقام وحدت صرف است (همان: ۶۶) که فرمودند: "كُلِّنَا مُحَمَّدٌ" و این مقام، "فَنَاءٌ فِي اللَّهِ" است و این مقام خلافت الهی است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (قرآن، بقره: ۳۰).

نکته جالب در کتاب تأملات کلامیه این است که نویسنده در اتخاذ رویکرد عرفانی در کلام، میان آیات قرآنی و احادیث، یعنی شواهد نقلی و مضامین عرفانی و "اشعار و آرای عرفا" پیوند برقرار کرده و هر یک را برای تأیید دیگری به کار گرفته است. برای نمونه در تبیین مقام "خلافت الهی" که در قرآن

(همانجا) «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» نمود پیدا کرده، اشعار عرفانی ذیل را شاهد مثال می‌آورد:

بار دیگر از ملک پران شوم آنچه اندر وهم ناید آن شوم
 پس عدم کردم عدم چون ارغنون گویدم کانا الیه راجعون

(مولوی، ۱۳۸۲: ۲۲۲).

هردنگی در ادامه برای تشریح این مرتبه از ایمان و تأیید شواهد قلبی به روایت امام هادی علیه‌السلام استناد جسته است که «أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَطِينَتَكُمْ طَيِّبَةٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ هِيَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ» (شهادت می‌دهم اینکه روح‌های شما و خمیره‌های وجود شما یکی است، که پاک و خوشبو و پاکیزه است، بعضی از آنها از بعضی دیگر است). سپس با استناد به سخن امام علی علیه‌السلام که «أَنَا مِنْ مُحَمَّدٍ مَثَلُ الضُّوءِ مِنَ الضُّوءِ» (من از محمد مثل روشنی هستم که از روشنی دیگر افروخته می‌شود) بیان داشته که این حدیث نشانگر پیوندهای عمیق مقام نبوت و ولایت است (هردنگی، ۱۳۹۶: ۶۶). وی همچنین برای تفهیم مراتب ایمان، تمثیلی آورده و اظهار داشته که همان‌گونه که گردو و بادام یک جلد و قشر ظاهری دارد که بعد از رسیدن می‌افتد و یک قشر باطنی و یک حقیقت که در واقع مغز گردو و بادام است، ایمان هم این‌گونه است:

اول: اقرار به لسان که مجرد از تصدیق قلب است که همان پوسته ظاهری ایمان است؛

دوم: اقرار لسانی و تصدیق قلبی که از آن تعبیر به برزخ می‌کند؛

سوم: اقرار لسانی، تصدیق قلبی و عمل ارکانی. نویسنده برای هر یک از این مراتب ایمان به آیات قرآنی استناد جسته، در کنار آیات قرآنی گاه شواهد تاریخی را نیز بیان می‌کند. در واقع، در این قسمت از بحث، نویسنده میان رویکرد عرفانی و رویکرد تاریخی و نقلی پیوند برقرار کرده است.

در مورد نوع اول یعنی اقرار به لسان، ایمان منافقانی چون عبدالله ابن ابی، ولید بن عقبه و امثالهم را مثال زده است و در وصف حال این افراد به قرآن (بقره: ۸) استناد می‌جوید که «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ» (هردنگی، ۱۳۹۶: ۶۷).

در مورد مرتبه دوم ایمان (اقرار لسانی و تصدیق قلبی)، وی به عملکرد برخی از صحابه رسول‌الله (ص)

پس از ارتحال نبی اکرم اشاره نموده و با استنادات حدیثی ۱ این نوع ایمان را ایمان مستودع نام نهاده است (همان: ۶۸). چنانکه در قرآن (انعام: ۹۸) به این نوع از ایمان اشاره دارد: «فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ». نوع سوم ایمان (اقرار لسانی، تصدیق قلبی و عمل ارکانی)، مثال تاریخی وی در مورد این قسم از ایمان سلمان و اباذر است که وی ایمان آنها را ایمان مقربین و خواص مؤمنان خوانده است. او برای این قسم از ایمان مراتبی قائل شده که هنگامی که این ایمان به حد عصمت برسد در وجود ائمه و انبیاء ظاهر می‌شود (هردنگی، ۱۳۹۶: ۶۹).

رویکردهای عرفانی در تبیین راه‌های شناخت

از جمله مباحث دیگری که مؤلف کتاب تأملات کلامیه در بیان و شرح آن از مضامین عرفانی بهره برده، بحث شناخت و راه‌های وصول به آن است. نویسنده بحث خود را با اشاره به حدیثی که راه‌های شناخت خدا را به عدد نفوس خلاق می‌داند، آغاز می‌کند و سپس طریق معرفت را در چهار دسته به شرح زیر برمی‌شمارد:

طریقه فلاسفه و متکلمین که از طریق برهان بطلان دور و تسلسل به اثبات صانع عالم پرداخته‌اند. طریقه کسانی که از آیات آفاقی پی به وجود صانع برده‌اند. مثال‌هایی که هردنگی در این طریقه شناخت آورده و شواهدی که ارائه کرده، همه نشانگر بُعد تجربی این‌گونه شناخت هستند. در این روش شناخت، نویسنده از طریقه حضرت ابراهیم علیه‌السلام و احتجاج آن حضرت با قوم خویش، مبنی بر عدم صلاحیت کواکب و اجرام آسمانی برای پرستش مثال می‌زند.

طریقه کسانی که از مشاهده آیات و نشانه‌هایی که در نفوس ایشان نهاده شده، به وجود صانع هستی پی برده‌اند. وی در اینجا با اشاره به حدیث مشهور «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» به تشریح ویژگی‌های این طریقه پرداخته است. در ادامه بحث، هردنگی با استناد به تاریخ عرفا و اقوال برخی از اهل عرفان، توضیحات بیشتری پیرامون این طریقه ارائه نموده است. در این زمینه وی پرسش ابوعلی سینا از ابوسعید ابوالخیر را این‌گونه مطرح می‌سازد که به چه چیز شناختی خدای خود را؟

۱. ارْتَدَ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِيِّ إِلَّا ثَلَاثَةً نَفَرٍ: الْمُقَدَّادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ أَبُو ذَرِّ الْعَفَّارِيُّ وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيُّ ثُمَّ إِنَّ النَّاسَ عَرَفُوا وَ لَحِقُوا بَعْدَ (کشی، ۱۳۶۳: ۸).

پاسخ ابوسعید این بود: به اموری که بر دل من وارد می‌شود و نفس من از آن عاجز است. غزلی که در ادامه این بحث از سعدی نقل کرده، مؤید استناد وی به مضامین عرفانی است:

میان ما و تو جز پیرهن حجابی نیست گرم حجاب شود تا به دامنش بدرم

(سعدی، ۱۳۸۸: ۱۹۳)

طریقه اصحاب ریاضت است که خود را به لباس تصوف ملبس کرده و به مراقبه مشغول می‌شوند. اینان ادعای کشف و شهود می‌کنند. بسیاری از ادعاهای این جماعت، ادعاهای کاذبی است و برخی از آنها خود را از قید تکلیف فارغ می‌سازند (هردنگی، ۱۳۹۶: ۸۱-۸۳).

هردنگی ضمن انتقاد به روش قائلان به سقوط تکلیف، براهین آنها را به چالش کشیده، از بد فهمی آنها و تفسیر به رأی این آیه از قرآن (حجر: ۹۹) «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» اظهار می‌دارد که منظور از یقین در این آیه، مرگ است و این‌گونه مخالفت خود را با عقیده این مدعیان تصوف اظهار داشته است (هردنگی، ۱۳۹۶: ۸۳).

در شرح مباحث مربوط به شناخت مفاهیمی چون "واجب الوجود"، "ممکن الوجود" و "ممتنع الوجود" نیز اگر چه نویسنده از مضامین فلسفی بهره گرفته، اما در لابه‌لای مباحث، اشعاری را آورده که متضمن مفاهیم عرفانی است و در این میان در استنادات شعری او، استناد به مثنوی معنوی جایگاهی خاص دارد. برای نمونه، در ادامه این مباحث شعری را از دفتر پنجم مثنوی به این مضمون آورده است:

ای برون از وهم و قال و قیل من خاک بر فرق من و تمثیل من

(مولوی، ۱۳۸۲: ۲۱۱)

وی از آنجایی که خود نیز طبع شعری داشته، در لابه‌لای مباحث کلامی، از سروده‌های خویش در تبیین شناخت استفاده کرده است:

تا که از خود نگذری ای نیک رأی	کی توانی دید اسرار خدای
رو تو روحانی شو و اسرار بین	یار خود در پرده اغیار بین
معرفت باشد حجاب معرفت	زین سبب دیگر نگویم منقبت
هم خود او مقصود باشد هم دلیل	هم بود محبوب و هم آمد خلیل

هر که را شد اشتیاق وصل یار بایدش با شعله دائم گشت یار
در شرابین و عروق جان من نیست غیر از جلوه جانان من
(هردنگی، ۱۳۹۶: ۹۴)

او در بحث اثبات وحدت واجب الوجود نیز مضامینی را متذکر شده که یادآور اصل وحدت وجود است: «ملاحظه نما در عالم آنچه آثار مختلف است همه به یکی منتهی می‌شود، بلکه همه علوم به یک کلمه منتهی می‌شود که کلمه الف باشد، که اصل همه حروف است و ماده المواد کل حروف است، بلکه همین را بعضی از محققین دلیل مستقل بر وجود و وحدت صانع قرار داده‌اند. چنانچه انتهای مراتب اعداد را به واحد نیز برهان قرار داده‌اند، بر اینکه باعث این کثرات عالم علوی و سلفی از صور و ماهیات و ارضین و سموات باید یک چیز باشد که او از اینها خارج باشد و مبدأ و منتهای همه اینها او باشد...» (همان: ۹۳). حدیث شریف «لَا تَسْبُوا الدَّهْرَ؛ فَإِنَّ الدَّهْرَ هُوَ اللَّهُ» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۱۹۸؛ علم‌الهدی، ۱۹۹۸: ۴۵) نیز مشعر به این است. همچنین در دعای عرفه آمده است: «الْغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرَ لَكَ عَمِيَّتِ عَيْنُ لَا تَرَاكَ وَ قَدْ كُنْتَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا وَ خَسِرْتَ صَفْقَةَ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حَبِيْكَ نَصِيْبًا» (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۳۴۹؛ مؤمن جیلانی، ۱۳۸۷: ۳۱۲). فیض کاشانی نیز در کتاب *الكلمات المكنونه* خویش در باب چگونگی استدلال بر وجود خدا می‌نویسد:

ای تو پیدا در ظهور خویشتن ای رخت پنهان به نور خویشتن
(فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۳۷)

در بحث علت‌العلل بودن ذات واجب‌الوجود هم‌رگه‌هایی از مضامین عرفانی در تأملات کلامیه دیده می‌شود: «چون ذات واجب، علت‌العلل و علت کل اشیاء است از کلی و جزئی و علم به علت مستلزم است علم به معلول را، پس علم واجب به ذات خود، علم او است به کل اشیاء. بیان این مطلب آنکه علم به علت، علم به آن جهت است که علت به آن علت است و آن جهت معنای ربطی است و نسبتی است قائم به منتسبین و علم به نسبت لازم دارد، علم به منتسبین را که علت و معلول باشد الی ما لانهايه له...» (هردنگی، ۱۳۹۶: ۱۱۴).

وی در ادامه این بحث با استناد به حدیثی از امام علی علیه‌السلام، بحث علت‌العلل بودن ذات

واجب الوجود را با مضامین عرفانی پیوند داده است: «داخل است در اشیاء نه مثل داخل بودن چیزی در چیزی و خارج است از اشیاء نه مثل خارج بودن چیزی از چیزی {ای بشر} بفهم و تدبیر کن» (همانجا).

ای نور تو در جمله اشیا ظاهر وز منظر چشم اهل عرفان ناظر
عالم همه از نور تو روشن گشته هم اول این سلسله و هم آخر
(نظیری نیشابوری، ۱۳۷۹: ۸)

نتیجه

کتاب تأملات کلامیه از متون ارزشمند کلامی عصر قاجاریه است که روش‌های مختلف کلامی را تلفیق کرده است. این تلفیق به سبب تسلط نویسندگان بر منابع روایی، تاریخی، کلامی و فلسفی است. عدم انفعال نویسندگان نسبت به آرای متکلمان متقدم سبب شده که وی با رعایت احترام به نقد آثار آنها پرداخته، نظریاتی متفاوت از آنها ارائه کند و نوآوری‌هایی در این خصوص داشته باشد. از دیگر ویژگی‌های این کتاب، ماهیت احتجاجی و جدلی آن است. نویسندگان در اتخاذ این رویکرد کوشیده است ضمن ورود به عرصه‌های چالشی، از حوزه عدالت و انصاف خارج نشده، قواعد مربوط به جدال احسن را رعایت نماید. در کنار این ویژگی‌ها، مهم‌ترین شاخصه تأملات کلامیه بهره‌گیری آن از مضامین عرفانی و لطایف ادبی است که همین امر سبب شده که افزون بر پایه‌های استدلالی محکم، آن مباحث کلامی را در قالبی تلطیف شده و جذاب در اختیار خواننده قرار دهد. یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌ها و ویژگی‌های این کتاب، توان نویسندگان آن در برقراری وفاق و همنشینی مفاهیم عرفانی با مباحث استدلالی و شواهد روایی است.

منابع

- قرآن کریم
- ابن ابی‌الحدید، ابو‌حامد (۱۳۸۵). شرح نهج البلاغه. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶). الاقبال بالاعمال الحسنه، ج ۱. محقق جواد یومی اصفهانی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- برنجکار، رضا (۱۳۷۵). "روش‌شناسی علم کلام". مجله نقد و نظر، سال دوم، ش ۹ (زمستان): ۱۰۴-۱۲۵.
- تفتازانی، سعدالدین (بی تا). شرح المقاصد، ج ۱. بیروت: عالم‌الکتب.
- جبرئیلی، محمدصفر (۱۳۸۵). "فلسفه علم کلام". قبسات، سال اول، ش ۳۹-۴۰ (بهار و تابستان): ۱۲۵-۱۵۲.
- دادبه، اصغر (۱۳۸۸). جبر و اختیار در عرفان. دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۷: ۴۹۶-۵۲۷.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۴۲). "بحث درباره شش تن از علمای قهستان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۱). فرق و مذاهب کلامی، مرز جهانی علوم اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲). تاریخ در ترازو. تهران: امیرکبیر.
- سعدی، مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله (۱۳۸۸). کلیات سعدی. تصحیح محمدعلی فروعی. تهران: ماهرنگ.
- شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۱). الملل و نحل. تصحیح محمدرضا جلالی نائینی. تهران: اقبال.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۰۲ق.). مقدمه فی المدخل الی علم کلام. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۴۰۵ق.). رساله‌الامامه، ضمیمه تلخیص المحصل. بیروت: دارالاضواء.

- علم‌الهدی، علی بن حسین (۱۹۹۸). *امالی المرتضی*، ج ۱. محقق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دارالفکر العربی.
- علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۹۲). *جستاری در احوال و آثار مفاخر خراسان جنوبی*. تهران: فکر بکر.
- غزالی، ابوحامدمحمد (۱۳۲۲ق). *المستصفی فی علم الاصول*، ج ۱. مصر: المطبعه الامیریه.
- غوث، کمال (۱۳۹۰). "مروری بر آثار و زندگی ملامحمدحسن هردنگی بیرجندی". *فقه اهل بیت*، سال دوم، ش ۶۶ (تابستان): ۳۸۷-۳۹۷.
- _____ (۱۳۹۱). *گنج‌نامه ناحیه هردنگ*. تهران: فکر بکر.
- فارابی، ابونصر (۱۳۴۸). *احصاء العلوم*. ترجمه حسین خدیوجم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی (۱۳۸۷). *الکلمات المکنونه* (چاپ کنگره فیض). تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۷۸). *هندسه معرفتی کلام جدید*. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش؛ اندیشه معاصر.
- قطب‌الدین شیرازی، محمود بن مسعود (۱۳۱۷). *دره‌التاج*. به تصحیح سیدمحمد مشکوه. تهران: چاپخانه مجلس.
- کشی، محمدبن عمر (۱۳۶۳). *اخبار معرفه‌الرجال*. محقق مهدی رجایی. قم: مؤسسه آل‌البیت علیه‌السلام.
- لاهیجی، عبدالرزاق (۱۳۶۲). *سرمایه ایمان*. تهران: الزهراء.
- _____ (۱۴۲۵ق). *شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام*. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- متز، آدام (۱۳۶۲). *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو. تهران: امیرکبیر.
- محمدرضایی، محمد (۱۳۹۰). *کلام جدید با رویکرد تطبیقی*. با مقدمه جعفر سبحانی. قم: دفتر نشر معارف اسلامی.
- مطهری، مرتضی (بی‌تا). *آشنایی با علوم اسلامی، بخش فلسفه*. تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۹۰). "جامع‌نگری در روش‌شناسی علم کلام". *فلسفه و کلام: کلام اسلامی*، سال

بیست و دوم، ش ۷۷ (مهر): ۱۵-۳۸.

- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۲). *مثنوی معنوی*. مقدمه عبدالحسین زرین‌کوب. تهران: مجید.
- مؤمن جیلانی، رفیع‌الدین محمد بن محمد (۱۳۸۷). *النذریه الی حافظ الشریعه*، ج ۱. محقق محمدحسین درایتی. قم: دارالحدیث.
- نظیری نیشابوری، محمدحسین (۱۳۷۹). *دیوان*. تصحیح و تنظیم محمدرضا طاهری. تهران: نگاه.
- ولوی، علی محمد (۱۳۶۸). "لوگوس / بین‌النهرین، هند، ایران، یونان". *مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، سال یکم، ش ۱ (تابستان): ۲۳-۴۹.
- هردنگی، محمدحسن (۱۳۹۶). *تأملات کلامیه*. تصحیح، شرح و تحشیه علی محمد ولوی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.